

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

چشمه یقین

سوخته هست و بود من ، دیده به دیده رو به رو
قصه عشق سر کنم ، شانه به شانه مو به مو
شام سیاه زلف تو ، صید نموده مرغ دل
دانه فتاده یک به یک ، دام نهاده دو به دو
آتش عشق می جهد ، از پی و رگ رگ روان
لحظه به لحظه دم به دم ، آه به آه و هو به هو
از ازل سرشته اند ، مهر تو در نهاد من
نمله به نمله لا به لا ، ذره به ذره تو به تو
گر چه شکست ، بحر غم ، زورق آرزوی من
دیده به پیش میبرد ، رود به رود و جو به جو
گر تو مُجاب میکنی ، زائر درگهت شوم
پای پیاده می دوم ، دشت به دشت و کو به کو
عمری به جست و جوی تو ، بستر و بالشم شده
خار به خار و گل به گل ، سنگ به سنگ و چو به چو

می دَمَد از وفای تو ، مژده وصل ، دم به دم
میوَرَد از نگاهِ تو ، خرمن بوسه سو به سو
آمدنت بهارِ من ، روح دَمَد ، چمن چمن
غنچه به غنچه گل به گل ، لاله به لاله فو به فو
بلبل و سار و صلصل و غچی ، به عشق و عاشقی
قمری به قمری گئی به گئی کبک به کبک و غو به غو
قامتِ سرورِ نازِ تو ، سایه فگنده بر سرم
شاخه به شاخه قند به قند ، رنگ به رنگ و بو به بو
گرم لبانِ نرمِ تو ، نرم دهانِ گرمِ تو
شیر و عسل ، مزاجِ تو ، طبع به طبع و خو به خو
باخته ام قمارِ دل ، آی و مُقابلم نشین
دار و ندارِ من تویی ، جیک به جیک و لو به لو
فرشی به زیبِ مقدمت ، بافتم ، از صفایِ جان
مهر به مهر و دل به دل ، (تار به تار و پو به پو)
صوم و صلاتِ عاشقان ، مُنتظرِ هلالِ نو
عید و براتِ ما تویی ، جشن به جشن و طو به طو
هست همه ز هستِ تو ، مست همه ز مستِ تو
بنده به بنده رب به رب ، برده به برده ذو به ذو
در دو جهان به مثلِ تو ، نه ملک و نه آدمی
مرد به مرد و زن به زن ، خور به خور و خو به خو
زینتِ سفته های من ، وزن و ردیف و قافیه
جوهرِ گوهر از توشد ، این به این و او به او
« نعمت » حریرِ واژه را ، شسته به چشمه یقین
خشک به خشک و تر به تر ، اوتو به اتو ، شو به شو

معانی بعضی از لغات :

- 1- (هو = آه ، دم ، نفس) -2 (نَمَلَه = مورچه، ذره ، گرد) -3 (غُو = مرغابی)
- 4- (چُو = چوب) -5 (جَیک = صفحهٔ عکسدار در قطعهٔ بازی) -6 (فُو = سُنْبُل کبیر ، سُنْبُل کوهی) -7 (لُو = خال یا صفحهٔ بدونِ عکس در قطعهٔ بازی) -8 (طُو = توی، عروسی، ضیافت، جشن، مهمانی) -9 (ذُو = صاحب، خداوند، دارنده، دارا) -10 (شُو = آهار که به پارچه ها میدهند، شستن، شوهر)
- 11- (حُو = زنان گندمگون خوشگل، خوش هیكل و چشم سیاه با لبهای پهن و جذاب)